

۱۴۰۰۸۵

مبانی، کلیات و تحولات
تاریخ حقوق عمومی

تحت اشراف
آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی

تألیف

دکتر ابراهیم مرسی زاده

دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

با همکاری

اکبر براری



سرشناسه: موسی‌زاده، ابراهیم، ۱۳۵۳ -
 عنوان و نام‌پدیدآور: مبانی، کلیات و تحولات تاریخ حقوق عمومی / تحت
 اشراف سیدمحمود هاشمی شاهرودی؛ ابراهیم موسی‌زاده با همکاری اکبر براری
 مشخصات نشر: تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص.
 فروست: نشر میزان؛ ۹۴۸. علوم اجتماعی.
 شابک: 978-964-511-747-2
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: حقوق عمومی -- تاریخ
 موضوع: حقوق عمومی -- ایران -- تاریخ
 موضوع: تاریخ -- فلسفه
 موضوع: براری، اکبر، ۱۳۶۶ -
 موضوع: هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ۱۳۲۸ -
 رده‌بندی کتبه: K۳۱۵۰/م۸۲
 رده‌بندی دی‌سی: ۳۴۲
 شماره کتابشناسی: ۴۱۸۷۱۳

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، گپی، فایا، الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون، جرمه و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به ناشر اطلاع دهید.

۹۴۸

نشر میزان

مبانی، کلیات و تحولات تاریخ حقوق عمومی
 تحت اشراف: آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی

دکتر ابراهیم موسی‌زاده

با همکاری اکبر براری

چاپ اول: بهار ۱۳۹۵

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۷۴۷-۲

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

بخش اول مفاهیم، مولفه‌ها و مبانی تاریخ حقوق عمومی

فصل اول: تعریف و مفهوم تاریخ.....	۱۴
فصل دوم: فلسفه تاریخ.....	۲۴
فصل سوم: حقوق عمومی.....	۵۱
فصل چهارم: تاریخ حقوق عمومی.....	۵۹
فصل پنجم: ابعاد و رضوانات مورد مطالعه در تاریخ حقوق عمومی.....	۶۹

بخش دوم تاریخ حقوق عمومی در ایران باستان

فصل اول: حقوق عمومی در دوات ایران (از ۴۰۰۰ تا ۶۴۵ سال ق.م.).....	۸۸
فصل دوم: حقوق عمومی در میان رودان (بیرا لنه‌ن): (از ۳۰۰۰ تا ۶۱۲ ق.م.).....	۹۲
فصل سوم: حقوق عمومی در دوره مادها: (۶۵۰ ق.م.).....	۹۶
فصل چهارم: حقوق عمومی در دوره هخامنشیان: (از ۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م.).....	۱۰۱
فصل پنجم: حقوق عمومی در دوره سلوکیان و اشکانیان.....	۱۱۳
فصل ششم: حقوق عمومی در دوره ساسانیان (۲۳۰ م تا ۶۳۰ م).....	۱۲۱

بخش سوم حقوق عمومی از صدر اسلام تا برآمدن صفویان (از ۶۱۰ تا ۹۰۵ ه.ق.)

فصل اول: حقوق عمومی در بامداد اسلام.....	۱۳۸
فصل دوم: دوره خلفای نخستین (۱۱ - ۴۱ ه.ق.).....	۱۵۳
فصل سوم: حکومت امویان (اولین پادشاهی در اسلام) (۴۱-۱۳۲ ه.ق.).....	۱۷۱
فصل چهارم: حقوق عمومی در خلافت عباسیان (فدرالیسم اسلامی ۱۳۲-۶۵۶ ه.ق.).....	۱۷۶
فصل پنجم: حقوق عمومی در حکومت‌های متقارن (۲۰۵ - ۶۲۶ ه.ق.).....	۱۸۶
فصل ششم: حقوق عمومی در حکومت ایلخانی و تیموری (۶۵۶-۹۰۵ ه.ق.).....	۱۹۷

بخش چهارم حقوق عمومی از دولت صفویه تا نهضت مشروطه ۱۰۵۱-۱۳۲۴ هـ. ق.	
فصل اول: حقوق عمومی در اولین حکومت مقتدر شیعی (عصر صفویه ۹۰۵-۱۲۰۹ هـ. ق.)	۲۰۸
فصل دوم: حقوق عمومی در دوره قاجار (۱۲۰۹-۱۳۲۴ هـ. ق.)	۲۲۰

بخش پنجم حقوق عمومی در پرتو قوانین مجموعه ۱۲۸۵ هـ. ق. تا ۱۳۵۷ هـ. ق.	
فصل اول: حقوق عمومی در مشروطه قاجار (۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴ ش.)	۲۳۶
فصل دوم: حقوق عمومی در مشروطه پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش.)	۲۶۹
فصل سوم: حقوق عمومی در جمهوری اسلامی	۲۸۹
فهرست منابع و مآخذ	۳۱۳

مقدمه

شاید در بدو امر، سخن‌پردازی درباره تاریخ و گذشتگان، کار بیهوده‌ای باشد که از طرف بیکاره گانی به عذر تقصیر یا از روی تفاخر به اصل خویشتن، بر زبان رانده می‌شود؛ از حقیقتاً هدف فقط همین بود من دوست نداشتم که از تاریخ، آن هم تاریخی مغفوف که فقط یک بعد خاص از تاریخ را در بر می‌گیرد (تاریخ حقوق عمومی) صحبت کنم، اما حقیقت امر چیز دیگری است، تاریخ، ما را زودتر از معمول به سطح عصر - پیش می‌رساند، پنجره‌ها را بر روی ما می‌گشاید و به ما اجازه می‌دهد تا عواملی را که در جهان ماکم بوده و هنوز هم هست بهتر بشناسیم و آنچه را در خور ترک و طرد است از آنچه ساینده حفظ و نگهداری است تمیز دهیم، تاریخ با ایجاد شوق و علاقه به چیزهای دور مرصه گذشته زمان حال را زیبایی می‌بخشد و پایان عمر گذشتگان را آغاز عمر انسان قرار می‌دهد، به رایگان هم تجارب خود را به او می‌بخشد، در واقع آشنایی با تاریخ، انسان را از بسیاری فریب‌های حقارت آمیز، نکه می‌دارد و نگاه انسان را، آن مایه قدرت می‌بخشد که در رای حوادث، آنجا که چشم مادی چیزی نمی‌بیند، نفوذ می‌کند و زندگی محدود، خود خویش را با زندگی گذشتگان و با زندگی دراز گذشته انسانیت پیوند می‌دهد و *و اعطینهم عبرة لأولی الألباب*، (سوره یوسف/ آیه ۱۱۱)

گذشته از فواید علمی و لذت وجدانی تاریخ، عواملی در طول سال‌های تحصیل نگارنده در دانشگاه (۱۳۷۴-۱۳۸۶ ش)، موجب گردید که صحبت و سخن‌پردازی از تاریخ برای من نه تنها ضروری بلکه واجب گردد. از همان سال‌های آغازین تحصیل در رشته حقوق هر زمانی که نوبت به دروس مربوط به مبانی و بررسی ریشه‌های نظری دانش حقوق می‌رسید، همه مبانی و نظریات را هم در کلاس درس و هم در منابع درسی از سقراط، افلاطون، ارسطو و ... شروع کرده و با پشت سر گذاشتن نظرات زنون، سیمرون، آگوستین، توماس آکویناس و ... به ماکیاولی، گروسوس، جان لاک، منتسکیو، ژان ژاک روسو، کانت، بنتام، لومبروزو، هگل، مارکس، میل، راسل، پوپر، هایک و ...

می‌رسیدیم که همه این اندیشمندان که به نوبه خود حقی بر جامعه بشریت به ویژه مجامع علمی و دانشگاهی دارند اما برخاسته از مغرب زمین‌اند؛ لذا پرسشی که از همان آغاز ذهنم را به خود سخت مشغول می‌کرد این بود که چرا در شکل‌گیری نظریات مربوط به حقوق، دولت، حکومت و حاکمیت جای اندیشمندان ایرانی - اسلامی خالی است؟ آیا در ایران سابقه حکومت و دولت وجود نداشته است؟ یا حکومت و دولتی وجود داشته اما نظریه پردازی در خصوص نحوه شکل‌گیری و استمرار آن صورت نگرفته است؟ یا شاید هم دولت و هم نظریه پردازی بوده، لکن ثبت و ضبط نشده تا به دست نسل امروز برسد؟ و یا اینکه این اقدام اخیر هم صورت گرفته اما مورد غفلت واقع گردیده است؟ و سوالات متعدد مشابهی که صرفاً در سوال و پرسش خلاصه نمی‌شد بلکه یک نوع احساس ناراحتی و سرخوردگی نیز به همراه داشت. البته برای یافتن پاسخ سوالات آنها با اساتید در میان می‌گذاشتم اما پاسخ درخور و اقماعی نمی‌یافتم، در کنار حل پرسش‌های، حس تحقیق و مطالعه نیز در وجودم ایجاد و تشدید می‌شد، به نحوی که در مدار نیمسال اول دوره کارشناسی اوقاتم را جز در ساعات کلاس و امور ضروری از صبح تا میان شب در کتابخانه و قرائت‌خانه می‌گذراندم، دامنه مطالعاتم از آثار مولفان بدیشه‌های سیاسی - اجتماعی معاصر آغاز و با پشت سر گذاشتن کتب رمان، تاریخ، ادبیات به آثار کتب فلسفی، کلامی، عرفانی، فقهی و اصولی کشیده شد، که حاصل مطالعاتم را یادداشت نموده و پس از ویرایش اولیه قصد طبع و نشرشان را هم داشتم که پس از مشورت با اساتید و بر حذر نمودن آنان، از این کار دست کشیدم، ولی ای کاش هرگز به نظر آنان عمل نمی‌کردم چون اگر مطالب و نوشته‌هایم خام هم بودند این کار بر یک تازه‌کار مدی زیاد عیب محسوب نمی‌شد. اما چه می‌توان کرد که به خاطر پایبندی به برخی آداب و رسوم باید همیشه از برخی دیگر از آمال و خواست‌ها دست کشید.

به هر حال دغدغه پیشین سراسر وجودم را گرفته بود و هرچه می‌گذشت مطالعاتم نظام‌مند و همسو با پرسش‌هایم می‌شد، تا اینکه در مقطع تحصیلات تکمیلی توفیق فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی حاصل شد که گویا پاسخ پرسش‌هایم در آستین همین فعالیت‌های علمی نهفته بود.

پاسخم اجمالاً این بود که قدمت تشکیل حکومت، دولت و نظام حقوقی در ایران بسی بیشتر از سایر نظام‌های حقوقی بوده و همپای آنها نظریه پردازی‌های عمیق و جامع‌تری انجام گرفته است لکن عوامل درونی و برونی مانع از آن شده است که به این موضوعات و نظریات، متناسب با شان و جایگاه علمی آنها نگریسته شود. البته بخش اعظمی از این عوامل در کنار قصور و کوتاهی درونی و ملی، ریشه در تعصبات شدید غریبان نسبت به تراث خویش دارد، آنان برای فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر چندان اصالتی قائل نیستند و پروائی ندارند که بگویند میراث جهانی، متعلق به آنان است.

به هر حال همیشه به دنبال فرصتی مناسب بودم تا در حد وسع و بضاعت خویش به تاریخ شکل‌گیری اندیشه‌ها، نظریه‌ها و نظام‌های حقوقی و دولتی در ایران زمین و بارور شدن آن آموزه‌های وحیانی و تلاش و کوشش چشمگیر اندیشمندان اسلامی - ایرانی بپردازم و در یک بررسی قدمت، وسعت، عمق، نوآوری و جامعیت این اندیشه‌ها و نظریه‌ها را نسبت به آموزه‌های غربی آن به ترسیم کشم. تا اینکه پس از فراغت از تحصیلات رسمی دانشگاه رسمی در رشته حقوق و جذب در گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشکده تهران، در اولین نیمسال کتباً نامزدی خویش را برای تدریس درس دو واحدی «تاریخ عمومی» برای اولین بار در دانشکده و یا شاید در سطح کشور، اعلام داشتم که هدفم از این امر، علاوه بر حرکت در مسیر علاقه و خواسته دیرینه‌ام، عدم رقابت بر سر دروس پر مخاطب با اساتید محترم و پیشکسوت گروه بود؛ چراکه متأسفانه در مجامع علمی نیز علاقه اشتیاق برای طی مسیر طی شده فراوان و در عوض گام گذاشتن در سنگلاخ‌ها و مسیرهای پیچیده محدود و کمیاب می‌باشد به همین لحاظ دروس بسیار مهم و اساسی یافت می‌شوند که تا کنون نه استادی برای تدریس آن اعلام آمادگی دارد و نه منبعی برای آن تألیف گردیده است اما در عوض بیشتر اشتیاق دارند قلم بر دست گیرند و به تقلید از دیگران کتاب‌های تکراری بنویسند و مطالب تکراری ارائه نمایند و دروسی را که آب و نانی در آن یافت می‌شوند تدریس نمایند. به همین علت است که در کشور ما به حدى کارهای زمین مانده زیاد است که هر وقت در خلوت خویش فقط به فهرست و عناوین آنها فکر می‌کنم جز عرق شرم بر جبین چیز دیگری احساس نمی‌کنم.

به هر حال با تقاضای تدریس این درس و پذیرش و تحمل این مسئولیت، تکلیف سنگین‌تری متوجه اینجانب گردید و آن تهیه «درسنامه» مختصر، مفید، جامع و شامل تمامی ادوار و نظام‌های حکومتی و حقوق عمومی ایران بود. با این حال در مقام فحص برآمدم و سه کتاب مدون در موضوع «تاریخ حقوق» اما نه «تاریخ حقوق عمومی ایران» یافتیم. اولین آنها کتاب وزین و محققانه «تاریخ حقوق» اثر و تالیف استاد دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی است که در سال ۱۳۳۹ ش توسط کانون معرفت به زیور طبع و نشر آراسته شده است که شامل مباحث تاریخ حقوق از انقراض ساسانیان تا پایان صفویه می‌باشد. دومین اثر، کتاب «سرگذشت قانون مباحثی از تاریخ حقوق» تألیف آقای علی باشا صالح است که در سال ۱۳۴۸ ش توسط موسسه انتشارات دانشگاه تهران، طبع و نشر یافته است و آخرین اثر مربوط به پروفیسور سید حسن امین است که با عنوان «تاریخ حقوق» در سال ۱۳۸۲ ش توسط انتشارات دائرة المعارف ایران‌شناسی چاپ و نشر گردیده است.^۱

هرچند سه اثر مذکور رهنما و منبع خوبی برای تهیه درسنامه بودند اما به دلیل اینکه اولاً مباحث حقوق عمومی در آنها بسیار کم رنگ بود، ثانیاً هر سه اثر صرفاً بخشی از تاریخ حقوق ایران را بررسی کردند و همه نظام‌ها را مورد بررسی قرار ندادند ثالثاً حجم کتب و سبک نگارش آنها به نحوی هستند که تناسبی با کتب درسی و متون آموزشی ندارند، لذا کتابی که واجد همه خصوصیات مدنظر اینجانب باشد یافت نشد و هرچه بیشتر جستجو کردم کمتر به نتیجه مطلوب دست یافتم. کن این را به دست آوردم که می‌توان از آثار و کتب تاریخی به ظرائف دقیقی در حیطه حقوق عمومی دست یافت، از این رو، اینجانب خود به کار مشغول شدم و با مطالعه و تدوین برداری کتب تاریخی به نکات و مباحث مهمی در زمینه و مسائل حقوق عمومی (اعم از اندیشه‌ها، نظریه‌ها و نظام‌ها) دست یافتیم. مطالب یافت شده را مکتوب نموده و به تناسب ادوار

۱. علاوه بر سه اثر مذکور، کتب و آثار دیگری نیز در زمینه تاریخ حقوق ملاحظه شد که به دلیل پرداخت ناقص به مباحث به ویژه مسائل مربوط به حقوق عمومی، چندان مطمح نظر قرار نگرفت که از جمله آنها عبارتند از:
- تاریخ حقوق، به زبان ترکی و خط عثمانی (عربی) نشر دانشگاه استانبول، بی‌تا.
- تاریخ قانون و حکومت، علی منصور (منصورالملک)، دانشگاه تهران، دانشکده علوم معقول و منقول، ۱۳۳۲ ش.

- سیر تکاملی حقوق، علی حمیدی همدان، تهران، بی‌تا، ۱۳۳۰ ش.

- مراحل سه گانه تاریخ حقوق، احمد متین دفتری، بی‌تا، ۱۳۳۳ ش.

- تاریخ اجتماعی ایران، موسی جوان، ۱۳۴۰ ش.

تاریخی و تعداد جلسات درس و مدت زمان هر جلسه کلاسی و براساس سلسله‌های حکومتگر در فلات ایران (از عیلامیان تا دوره معاصر) طبقه بندی نمودم.

زمان ارائه درس برای اولین بار مصادف شد با روز شنبه اول مهر ۱۳۸۹ ساعت ۸ صبح که همین روز و ساعت تا پایان نیمسال اول ادامه داشت که من علاوه بر مطالب و یادداشت‌های قبلی، در طول هفته نیز کتب دیگری که مربوط به مباحث درس بود مرور کرده و دست نوشته‌های جدیدی را تهیه و آنها را به ضمیمه مطالب پیشین برای کلاس ارائه می‌کردم که مطالب ضبط و پیاده سازی و تنظیم می‌شد که در واقع همان تقریرات و یادداشت‌ها اساس و بن مایه این کتاب را تشکیل می‌دهند. به هر حال با گذشت حداقل پنج (۵) دوره تدریس و افزودن مطالب و یافته‌های جدید، کتاب حاضر به همین شکلی که ملاحظه می‌فرمائید در پیش روی شما قرار دارد. لازم می‌دانم در این مقدمه به اموری چند اشاره کنم:

۱- برای اینکه بخواهیم از حقوق عمومی، آگاه شویم باید به مبادی و مبانی آن در قرون و اعصار گذشته رجوع کنیم و در جستجوی اسباب و عللی باشیم که حقوق عمومی از آنها ریشه گرفته است. لذا مدفعا در این اثر شناساندن میراث گرانقدر و عظیم تاریخ ایران در زمینه و موضوع «حقوق عمومی» می‌باشد، هرچند که ناگزیریم برای این منظور از مسیر دانش تاریخ عبور مانیم.

۲- از آنجا که بستر و مسائل مورد بحث اثر - تاریخ و برگرفته از یافته‌های مورخان می‌باشد، نباید این شبهه را ایجاد نماید که این علم با این اثر حقوقی نیست. چراکه امروزه و با توجه به اهمیت زایدالوصفی که علوم میان‌رشته‌ای دارند دیگر تفکیک و تمایز علوم به مسائل و موضوعات نیست بلکه به اغراض و اهداف علوم است. که این مهم مورد توجه و پذیرش اندیشمندان بزرگ اسلامی به ویژه مرحوم محقق خراسانی (ره) صاحب کتاب عظیم کفایه الاصول نیز می‌باشد. لذا اشتراک گرایش‌های مختلف علوم در مسائل مورد بحث نه تنها عیب نیست بلکه به دلیل فراهم آوردن باب تعامل و تفاهم یک حسن محسوب می‌شود.

۳- باید گفت کتاب حاضر که اولین کتاب در این زمینه در ایران به شمار می‌آید نمی‌تواند و نباید داعیه دار جامعیت و موفقیت‌های بسیار پژوهشی بوده باشد. بدیهی است که راهنمایی، پیشنهادها و نقادی صاحب نظران به غنای مطالب خواهد افزود.

۴- استخراج اندیشه‌ها، نظریه‌ها و نظام‌های حقوق عمومی از میراث غنی و پر بهای اسلامی - ایرانی و تبدیل آن به گفتمان رایج در عرصه‌های علمی داخلی و بین‌المللی با یک اثر امکان‌پذیر نیست این امر نیازمند یک نهضت عظیم علمی می‌باشد که تحقق بخشی از این نهضت مسلماً از طریق اختصاص موضوع تحقیقات علمی و پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و مراکز علمی به ادوار خاص، موضوعات مشخص و نظام‌های معین می‌باشد. امیدوارم اساتید محترم و علاقه‌مند، با راهنمایی علائق دانشجویان و پژوهشگران به این سمت در تحقق این نهضت ماندگار پیشگام و سهم باشند.

۵- حجم اولیه این اثر، در مرحله ویرایش اولیه، بالغ بر دو برابر حجم فعلی کتاب بود. بنا به درخواست ناشر محترم کتاب در ویرایش نهائی تلخیص و به این شکل و حجم درآمد.

سخن خود را در این مقدمه به پایان می‌برم و پرداختن به سایر موضوعات به ویژه ضرورت، اهمیت، نوا، اهداف و مسائل آن را به متن اثر موکول می‌نمایم و به رسم ادب لازم می‌دانم از رسم - میل القدر و مرجع عظیم الشأن حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی «حفظه الله تعالی» که با صرف وقت خویش کتاب را مطالعه نمودند و نکات و تذکراتی را جهت اتمام بهیمن محتوا ارائه دادند سپاسگزاری نمایم، همچنین از همه کسانی که مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری مباحث درس و تدوین و تالیف کتاب نقش داشته‌اند به ویژه همکار محترم جناب آقای اکبر براری که در تمامی مراحل اعم از جمع‌آوری منابع و تدوین آنها و پیاده‌سازی و تنظیم تقریر درس همراهم بوده‌اند تشکر می‌کنم. توفیق همه اساتید، دانشجویان، پژوهشگران و سربلندی ایران اسلامی را از درگاه خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

بمنه و رفیق

ابراهیم موسی‌زاده

زمستان ۱۳۹۳